

حقوق تاریخی و سهم پنجاه در صدی ایران در دریای مازندران

دریائی (مطابق ماده ۱۲ بند ۴ عهدنامه ۱۹۴۰) بقیه دریا سهم مشترک و مساوی دو دولت است و بر پایه عهدنامه های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ نیمی از دریای کاسپین متعلق به ایران است. دریا به طور مطلق (بستر و زیربستر و منابع و ذخایر آن) و کلیه شبهات و شایعات مبنی بر اینکه عبارت ۵۰ درصد (نیمی از دریا) در عهدنامه ها نیامده و یا آنکه به غلط بعضی مدعی شده اند که دریا مرکز و محور مرکزی ندارد (با روشهای علمی برای محققان این مرکز موجود و شناخته شده است) به هیچ وجه قابل قبول نیست و طول خط ساحلی یا فاصله دو نقطه ساحلی تعیین کننده سهم ایران نیست و روابط خوب یا همسایگان خود به معنی احترام به این معاهدات باید باشد. به لحاظ «اصطلاحات» و «تفسیر» متن عهدنامه ها خود کارگشاست و در فصل ۲۵ عهدنامه ۱۹۲۱ و ماده ۱۶ عهدنامه ۱۹۴۰ هر دو نسخه فارسی و روسی آنها مساوی و رسمی و معتبر اعلام شده است. از سوی دیگر وسعت فوق العاده دریای کاسپین (حد پایین ۳۷۰ هزار متر مربع و حد بالا ۴۲۴ هزار متر مربع) نشان دهنده آنست که بر سر سهم ایران با سهل انگاری و بی دقتی عمل کردن بسیار خطرناک است و به هیچ رو نمی توانیم از حقوق مساوی و بالسویه ایران صرف نظر کنیم. اقتضای محیط زیست دریایی و بسته بودن آن، محدودیت و مخاطرات فاجعه آمیز امروزی، ارتباط آنها با منابع ساحلی و حیات ساحل نشینان و ذخایر آبزیان منحصر به فرد، نفت و گاز و لوله گذاریها و چاههای متعدد غیر فنی و نیمه تمام رها شده و تداخل امور، مدیریت مشترک ساحل نشینان را میطلبد. با این حال طرف ایران بدون تجهیزات مناسب و بی توجه به امکانات و طرح های اقتصادی، اسناد و معاهدات و مقاوله نامه های گذشته از دوره حکومت تزارها (۱۵۴۰) تا پایان اتحادشوری را به عنوان مالک و صاحب نیمی از دریا تنظیم نکرده (به قرار اطلاع بعضی صاحبان روحیه منفی حتی خلاف آن نیز عمل کرده اند) و به عنوان مالک و صاحب حقوق مشترک مساوی با «مجموعه طرف دوم» عهدنامه ها ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ (ملغی کننده عهد نامه های ننگین گلستان و ترکمانچای) حرف نزده است و عمل نکرده است و حرف نمی زنییم و عمل نمی کنیم در صورتیکه مطابق مقررات دیوان دادگستری لاهه سهم ایران بسیار فرا تر از آنست که دیگران تلقی میکنند و ماده ۳۸ دادگاه حقوق بین المللی به این گونه معاهدات حق اولویت داده است و در قانون اساسی موجود نیز می خوانیم که:

اصل ۷۸- هر گونه تغییر در خطوط مرزی ممنوع است مگر اصلاحات جزئی با رعایت مصالح کشور به شرط اینکه یک طرفه نباشد و به استقلال و تمامیت ارضی کشور لطمه نزنند و به تصویب چهار پنجم نمایندگان مجلس شورایی اسلامی برسد.

اصل ۱۵۲- سیاست خارجی جمهوری ایران بر اساس نفی هر گونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور استوار است.

اصل ۱۵۳- هر گونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ و گردد ممنوع است.

اصل ۹- در جمهوری اسلامی ایران آزادی، استقلال، وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد و یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی های مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند.

با توجه به تمامی مطالب فوق الذکر ملت ایران به هیچ عنوان از دولت جمهوری اسلامی نمی پذیرد که چه به علت انزوای سیاسی که بدان دچار است و چه به تصور باج دادن به روس ها برای جلب حمایت آنها در مجامع جهانی از حق قطعی و مسلم ایران در دریای مازندران که پنجاه درصد از آن دریاست کوتاه بیاید.

وضعیت حقوقی دریای کاسپین (مازندران) بر اساس عهدنامه های «مودت» در سال ۱۹۲۱ و «بازرگانی و بحریمائی» در سال ۱۹۴۰ منعقد شده است و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تنظیم شده است عهدنامه سال ۱۹۲۱ تاوان دو عهد نامه ننگین «گلستان» در اکتبر ۱۸۱۳ و «ترکمان چای» در سال ۱۸۲۸ است و اصول ۵ و ۶ آن مربوط به مسئله امکان تهدید رژیم شوروی توسط روسهای سفید هم در رژیم گذشته ایران و هم در جمهوری اسلامی در تاریخ ۱۳۵۸/۸/۱۹ با تصویب «شورای انقلاب» و در مرداد ۱۳۵۹ با نامه به وزیر خارجه وقت به دبیر کل سازمان ملل متحد به دلایل تغییر اوضاع و احوال و مغایرت با اصول حقوق بین الملل بلا موضوع و کان لم یکن اعلام شده است. و بدین نحو قرارداد ۱۹۲۱ مورد تایید و تصویب شورای انقلاب در بدو تاسیس جمهوری اسلامی نیز قرار گرفته است. در فصل اول آن می خوانیم که: «دولت شوروی روسیه مطابق بیانیه های خود راجع به مبانی سیاست روسیه نسبت به ملت ایران مندرج در مراسلات یک مرتبه دیگر رسماً اعلام میدارد که از سیاست جابرانه دولت های مستعمراتی روسیه که به اراده کارگران و دهاقین این مملکت سرنگون شدند نسبت به ایران قطعاً صرف نظر می نماید. نظر به آنچه گفته شد و با اشتیاق به اینکه ملت ایران مستقل و سعادت مند شده و بتواند آزادانه در درائی خود تصرف لازمه را بنماید دولت شوروی روسیه تمام معاهدات و مقاولات و قراردادهائی را که دولت تزاری روسیه با ایران منعقد نموده و حقوق ملت ایران را تضییع می نمود ملغی و از درجه اعتبار ساقط شده اعلام می نماید.» بنا بر این دیده میشود که عهد نامه های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ برای حقوق تاریخی ایرانیان دارای اهمیت بسیار حیاتی و بالایی است. همچنین مهم است که این دو عهدنامه بین «دو دولت معظمین متعاهدین» اتحاد شوروی و ایران منعقد شده است. در فصل اول و دوم و چهارم و یازدهم عهدنامه مودت سال ۱۹۲۱ و در مواد دهم و سیزدهم عهدنامه بحر پیمائی و بازرگانی سال ۱۹۴۰ که موید عهدنامه ۱۹۲۱ است، کلیه معاهدات از جمله عهدنامه های گلستان و ترکمانچای ملغی اعلام شده است و در فصل سوم و یازدهم عهدنامه ۱۹۲۱ «حقوق مساوی» طرفین شناخته و اعلام شده است و در مواد ۱۰ و ۱۳ عهدنامه ۱۹۴۰ مجدداً تایید شده و در ضمیمه عهد نامه اخیر نام ایران مقدم بر نام شوروی از طرف روسیه به ایران پیشنهاد و مورد موافقت قرار گرفته که دریای کاسپین دریای «ایران و شوروی» نامیده شود.

دریغا که در زمان انعقاد عهدنامه های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ رژیم بی کفایت و وابسته به بیگانه سابق از آن فرصت های طلایی برای لغو صریح قرار دادهای ننگین گلستان و ترکمانچای و حفظ منافع ملی ایران استفاده نکرد، همچنانکه رژیم جمهوری اسلامی نیز هنگام فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی با وجود تمایلی که در آن هنگام مردم سرزمین های ایرانی برای الحاق به ایران از خود نشان میدادند نتوانست از یک فرصت طلایی و تاریخی دیگر بهره بگیرد.

باری در مورد دریای مازندران در نظام حقوقی مبارزه با آلودگی دریا، به شرح معاهدات منعقد در سالهای ۱۳۵۱، ۱۳۶۲ و ۱۳۶۹ دولتین ایران و شوروی سابق مسئولیت های مساوی را تعهد کرده اند. و در معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ لفظ مطلق دریا به معنی همه دریا و منابع و ذخایر بستر و زیر بستر آن به کار برده شده است و عبارت حقوق مساوی در این دریای مشترک به وضوح همه موارد را دربر میگیرد. در کنوانسیون حقوق دریاهای (۱۹۸۲) نیز به رغم مباحث و توجهات جدید رژیم های منعقد شده مورد توافق دول ساحلی به رسمیت شناخته شده و بدین ترتیب معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ از این وجه هم معتبر و مستقر است. همچنین بنا بر کنوانسیون و اصول جاننشینی در سال ۱۹۹۱ جمهوری های تازه استقلال یافته، پانزده جمهوری از جمله جمهوری های آذربایجان، ترکمنستان، قزاقستان و فدراسیون روسیه مطابق دو «اقرار نامه» مینسک و آلماتی به محترم شمردن و لازم الاتباع و لازم الاجراء بودن کلیه معاهدات شوروی سابق از جمله عهدنامه مودت ۱۹۲۱ و عهدنامه بازرگانی و بحریمائی ۱۹۴۰ با ایران، متعهد شده اند. بنا بر این باتوجه به برخورداری دو دولت از ده مایل سهم اختصاصی برای آبزیان